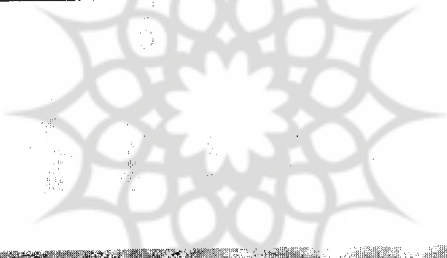


بامدیران در فرهنگ عامه



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از سر خودت واکن:

کارکنان اجرایی که از فرط پیگیری های مراجعان به تنگ آمده اند، این عبارت را همچون توصیه و سفارش بین هم رد و بدل می کنند تا هر چه سریعتر کار انجام گرفته، اصطلاحاً شر ارباب رجوع از اداره مربوطه کم شود. در واقع باید گفت این عبارت کمابیش از سوی دسته ای از شاغلان حق به جانب، که همواره خود را در عدم رسیدگی به نیازمندی های مراجعان محق نشان می دهند به کار برده می شود. گاه این عبارت بین مسئولان ادارات در مورد کارکنان خاص و غیر عادی نیز اعم از نق زن و همیشه معترض، کم کار، بی تعهد و ناکار آمد، رد و بدل می شود. از این قبیل است عبارت: «ردش کن بره»، یا «شرش را کم کن.»

از کدام دست برخاسته ای؟!

اشاره به عصیبت موقت و غیرقابل انتظار مخاطب در کار اداری دارد.

با مراجعات مکرر به تنگش بیار

در مورد افرادی به کار برده می شود که به سادگی تن به پذیرش و یا اجابت درخواست دیگران نمی دهد. در شیوه مدیریت بسیار سخت گیر و تنگ چشمنده و به ندرت راه نفوذ به دیگران نشان می دهد، مگر این که از فرط پیگیری های افراد به تنگ آیند و از میزان سخت گیری خود کاسته و رفته رفته خواسته آنها را اجابت کنند.

تا بوده چنین بوده

هنگامی که از ناملایمات اداری و از بی عدالتی های سازمان در نشست های خودمانی کارکنان سخن به میان می آید، این عبارت از سوی یکی از حاضران که نشان از ناامیدی مفرط دارد، گفته می شود. و متضمن این پیام است که این قصه با تمامی جزئیاتش تازگی ندارد. اصطلاحاً «تا بوده چنین بوده».

حق الپرچین

در فرهنگ اصطلاحات اداری به رشوه و حق و حساب به کنایه «حق الپرچین» گفته می شود. این اصطلاح غالباً در سازمانهایی رایج است که دائماً با ارباب رجوع در تماس بوده و بیشتر درگیر کارهای اجرایی مردم هستند.

چشم بگو، عمل نکن!

در صدر محاورات روزمره جمعی از کارکنان این توصیه اخلاقی نقش بسته است: «چشم بگو، عمل نکن» کاربرد آن از شرفیابی به محضر مقامات اداری تا گرفتار آمدن در چنگال خواهش های مراجعین اداری دامن می گسترند. ترجمان این توصیه چنین است:

اگر می خواهی در قلب مدیر یا مسئولی خود را جای کنی، خدنگ «چشم» به کمان کن و به خیمه ریاست بفرست تا در صدرنشینی و به رایگان منزلت و مقام یابی. مبادا جانب احتیاط و حزم و دوراندیشی را فراموش کرده و در مسیر فرمانش، فرمان به چپ بچرخانی و از شعاع قرب و از پرتو چراغ پر فروغش خارج گردی! نیز اگر می خواهی سرافرازانه از محدوده سماجت های ارباب رجوع رهایی یابی و از بند درخواستهای التماس گونه اش بگریزی، سخن کوتاه کن و کار امروزش را به فردا و فرداهای دیگر واگذار و با ادائی یک «چشم» التماسش را به فریاد نکشان که در پی اش رگ عصیبت به جوش آوری و شخصیت اداری خویش به زیر پای غضب افکنی.